

مؤلفه‌های ایدئولوژیک درگیری‌های کشور و چگونگی پیامدهای آن جدایی ناهمگون ایدئولوژیک دموکراسی و لیبرالیزم در فضای چند پارچه‌میهن ما خلأهای ایدئولوژیک و سیاسی با هدف واحد و اما موضعگیری‌های چند پهلو

چگونگی بررسی الگوی مدل ارزش‌های غربی در مبارزه ایدئولوژیک
ساختارها و مدل‌های ایدئولوژیک جدید مدرنیزاسیون
تبرئه شخصیت‌ها از طریق جعل حقایق
تفاوت زمان و زمینه‌های تفکر مدنی

بمنظور وضاحت بیشتر پیرامون مسأله مورد مطالعه در بحث حاضر، یاددهانی بعمل می‌آید که ایدئولوژی باور شناسی یا مرام بمتابۀ مجموعه سامان مند باورها و اندیشه‌های ایستای سیاسی و اجتماعی، از آنجمله نظام‌های فکری، فلسفی و مذهبی که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خط مشی، عمل یا موضعگیری معتقدان بآنها در مسایل سیاسی - اجتماعی مؤثر می‌باشد. ایدئولوژی بمعنای ساده‌تری یعنی طرزفکر نیز تعریف گردیده است. واژه ایدئولوژی برای نخستین بار توسط آنتوان دوتراسی، فیلسوف فرانسوی دوران روشنگری بکار رفت. تعریفی که مایکل فریدن در دانه‌المعارف فلسفه روتلج کرده را می‌توان بمتابۀ تعریفی نسبتاً ساده از فهم ایدئولوژی در نظر گرفت: "ایدئولوژی مجموعه آگاهانه یا نا آگاهانه از افکار، باورها و نگرش‌هاست که برداشت و سو برداشت‌های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد. ایدئولوژی بر روی قضاوتها، رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها تأثیرگذار بوده و مؤثر می‌باشد." ایدئولوژی مفهومی بسیار بحث‌انگیز در علوم اجتماعی پنداشته می‌شود. می‌توان گفت که ایدئولوژی به مجموعه‌ای از باورها گفته می‌شود که بمتابۀ مرجع توجیه اعمال، رفتار و انتظارات افراد عمل می‌کند. بگونه دقیق‌تر می‌توان برداشت‌های موجود از ایدئولوژی را بگونه ذیل از هم تفکیک نمود: ایدئولوژی بمتابۀ مجموعه‌ای از ایده‌ها، نظرات، اعتقادات و نگرش‌ها مانند جهان بینی یک طبقه یا یک گروه اجتماعی. ایدئولوژی بمتابۀ نظام فکری کم و بیش آگاهانه است. نتون وان دایک هالندی، تحقیقات زیادی راجع بمفهوم ایدئولوژی انجام داده است، نامبرده معتقد است که ایدئولوژی بعنوان نظامی از باورها، تعریف‌های گوناگونی داشته است. اما آنچه در تمامی این تعریف‌ها مشترک است، اینست که ایدئولوژی در حافظه جمعی افراد قرار می‌گیرد و در نتیجه، ایدئولوژی جنبه شناختی و روانی دارد. در مطالعات اجتماعی، یک ایدئولوژی سیاسی بمتابۀ مجموعه اخلاقی مشخص از ایده‌آها، اصول، دکترین، اسطوره‌ها و نمادهای یک حرکت اجتماعیست که توضیح می‌دهد اجتماع چگونه باید کار کند.

بدنبال نیشته‌های پسین، تذکر این مسأله از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد که شکست‌های ستراتیژیک تلاش‌های ایالات متحده و بریتانیا در برخی از عرصه‌های حیات اجتماعی - سیاسی و نظامی بمنظور تضعیف مواضع طرف مقابل آنها، غرب را ناگزیر می‌نماید تا بروش‌های مورد علاقه خود (تروریسم) متوسل گردند. در گذشته‌های نه چندان دور، منطقه آسیای مرکزی اغلب تنها در چارچوب تهدیدهای امنیتی ناشی از چگونگی سیر حوادث و چگونگی تکوین وقایع در کشور عزیز ما افغانستان، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. وضعیت منحصر بفرد سیاسی - اجتماعی و موقعیت ژئوپولیتیک کشور عزیز ما باین امر کمک می‌نماید تا جنگ و درگیری‌های طولانی مدت، بقدرت رسیدن "طالب"ها، مداخله ایالات متحده، فراخواندن نظامیان امریکایی بکشورشان و بازگشت مجدد "طالب"ها بقدرت، هم‌میهن عزیز ما افغانستان و هم کشورهای آسیای مرکزی، بویژه کشورهای را که با افغانستان مرز مشترک دارند، تحت تأثیر طیف وسیعی از تهدیدها قرار دهند. در شرایط و وضعیت کنونی در حالیکه کشور عزیز ما افغانستان، با وجود آنکه به ثبات نسبی نایل گردیده، اما هنوز هم قادر بحل و فصل مستقل مسایل امنیتی در داخل کشور نمی‌باشد، بویژه در ولایت‌های شمالی کشور، جایی که سازمان‌های تروریستی مرتبط به "القاعده" و "ایالت خراسان"، در آنها مستقر گردیده و همچنین گروه‌های کوچک قومی، "جماعت انصار الله"، "حزب اسلامی ترکستان" و غیره نیز هسته‌گذا

ری نموده اند. اما بگونه مشخص درباره وضعیت کشور عزیز بایست متذکر گردید که در امتداد زمانی ماهای نخست اقتدار "طالب" ها، در زمینه امیدواری های شهروندان کشور، از دستاوردهای آنچنانی و محسوس آنها اصلن نمیتوان سخنی بمیان آورد. آنچه در داخل کشور قابل تأمل می باشد، اینست که در متن جامعه افغانی موارد بیشماری، همه بگونه متناقض و متضادی در حال شکل گیری می باشد. چنین ادعاً می گردد که در کابل بمثابه مرکز تپنده کشور و همچنان در بزرگ شهرها و در کل افغانستان در مجموع، امنیت تأمین گردیده و از وقوع درگیری های مسلحانه بمفهوم اخص آن، خبری نیست. اما بمفهوم کلی، در مناطق و محلات روستایی کشور، تغییر آنچنانی اصلن بنظر نمی رسد. مقامات دولت طرفدار غرب برهبری اشرف غنی به فساد و سواستفاده از دارایی های عامه آغشته بودند. بر بنیاد اظهارات برخی از دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور عزیز ما، "طالب" ها بسرعت توانستند به بی ثباتی در کشور نقطه پایان گذاشته و جنایت را بمفهوم وسیع کلمه مهار نمایند. آیا در وضعیت اینچنینی، می توان از سیر عادی زندگی شهروندان کشور سخنی بمیان آورد؟ ستانداردهای اجتماعی ایجاد شده توسط "طالب" ها، البته برای افراد و اشخاصی که با سیستم آموزشی غرب آشنایی دارند، اندکی عجیب بنظر می رسد، اما اکثریت شهروندان کشور با آنها کار می نمایند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که از جمله مسایل قابل تذکر یکی هم اینکه "طالب" ها بمفهوم وسیع کلمه، به بی نظمی ها و خودسری های سال های دوره حاکمیت نخست شان در کشور برنگشته اند، اما مهمترین معضل کنونی که در برابر همه شهروندان کشور و حتا در قبال جامعه جهانی قرار دارد، یکی هم ممنوعیت اشتغال بانوان کشور در امور مسایل اجتماعی و از جمله مردود شمردن حق کار و مشکل ادامه تحصیل بالاتراز صنف ششم برای آنها می باشد که تاکنون هم بمثابه معضل لاینحل باقی مانده و از این هگذر، بویژه بانوان کشور در عذاب می باشند. با وجود عفو عمومی اعلام شده توسط "طالب" ها، اما گزارش هایی در مورد سیاست تنبیهی سیستماتیک، علیه نیرو های امنیتی حاکمیت های قبلی در کشور بنشر می رسد. با یک نگرش مثبت و واقعینانه، می توان ادعاً نمود که نگاه بحاکمیت کنونی "طالب" ها، بمثابه مجموعه یکدست و بدون موجودیت اختلاف نظرها و مبراً از ضد و نقیض گویی ها در واقعیت امر، خاک زدن به چشم شهروندان کشور بوده و بگفته معروف بمثابه تعقیب نمودن پل پای دزدان تلقی می گردد. نباید فراموش نمود که در کنار موارد متعدد موجود در کشور عزیز ما افغانستان برخی دیدگاههای منفی در بعضی موارد و درباره برخی از عملکردهای "طالب" ها، از جمله در مورد اقدامات وحشیانه بگونه نمونه از اعدام ها در ملای عام، نیز موجود می باشد. علیرغم آنکه از واقعیت های یاد شده نمی توان چشم پوشی بعمل آورد، اما ادعاً می گردد که اقدامات تکوین پذیرفته و انجام شده، بر مبنای سیستم و اصول ایجاد شده توسط "طالب" ها از قوه بفعل مبدل می گردد. با در نظر داشت مشخصات و خصوصیات موجود در محلات کشور، موارد اینچنینی بگونه واضحی نشاندهنده نگرش و طرز نگاه بخش خاصی از پایگاه اجتماعی فرماندهان "طالب" ها، و جنگجویان عادی آنها پنداشته می شود. اینکه آیا بخش های فوقانی "طالب" ها طرفدار اقدامات اینچنینی و عملکردهای خشن می باشند و یا نه، در نوع خود، جای سؤال دارد. عده ای از "طالب" ها اقدامات اینچنینی را مورد تأیید قرار نداده و تداوم آنرا نیز تشویق نمی نمایند. اما دلیلی هم وجود ندارد تا ادعاً گردد که مرتکبین آن بشدت مجازات می گردند. با وجود اینهمه، گزارش گونه هایی از مناطق و محلات مختلف کشور مبنی بر آزار و اذیت و انجام اقدامات سرکوبگرانه برخی از شهروندان کشور توسط "طالب" ها دروسایل ارتباط جمعی به نشر می رسد. آنها بدنبال شخصیت های مهم محلی ضد "طالب" ها و مقامات امنیتی دولت قبلی می باشند. بر همین بنیاد، بسیاری از شهروندان کشور ناگزیرند در احنفاً بسربرند. همچنان گزارش هایی از اعمال فشار بر بستگان مهاجران سیاسی ضد "طالب" ها که در کشور باقی مانده اند، نیز به نشر رسیده است.

بخاطر ما باشد که هنجارهای اجتماعی ایجاد شده توسط "طالب" ها و همچنان با در نظر داشت روش ها و اسلوب های حفظ و نگهداشت موجودیت آنها و همچنین مجازات ها و مقرره هایی در صورت نقض موارد یاد شده آنها بشکل قدیمی و کلاسیک آن، حتا اگر توسط اکثریت قریب بتمام شهروندان کشور بدلیل سنتهای موجود، ترس یا بدلیل هراس یا بدلیل بیسوادی مورد پذیرش قرار گیرند، اما با وجود آنها، عده ای از شهروندان با سواد کشور که به معیارهای اجتماعی مدرن تر عادت نموده و خوگرفته اند، دساتیر و اقدامات "طالب" ها را سرکوبگرانه می پندارند. "طالب" ها چنین تصویری نمایند که بانوان از نظر اجتماعی، از جمله در زمینه آموزش و تحصیلات و چگونگی مشارکت در حیات اجتماعی - سیاسی، با مردان برابر نبوده و تابع هنجارها و محدودیت های منحصر بفردی می باشند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که اصل سازماندهی و جمع و جور نمودن اقتدار سیاسی، بویژه در شرایط و وضعیت کنونی کشور ما مهم می باشد، اما آنچنان که شاید و باید، "طالب" ها از فهم درک اهمیت آن عاجز آمده اند. در مورد چگو

نگی و نحوه وضعیت حقوقی و ماهیت دولت فراگیر نیز اظهار نظرهای متناقضی می نمایند. اما چنین بنظر می رسد کآنها با خواست هایی درباره همه شمول بودن حاکمیت سیاسی در کشور موافق نبوده و حتا اصلن خواهان بحث و گفت و شنودی در مورد موضوع فوق نمی باشند. هیچگونه نشانه ایی از برنامه ریزی "طالب" ها بمنظور برگزاری انتخابات اصلن بمشاهده نمی رسد. در شرایط و وضعیت حاضر، در واقعیت امر، "طالب" ها و تشکیلات آنها قدرت برتر جامعه را تشکیل داده و اما اینکه برچه معیاری و بر بنیاد چه مقرراتی، چهره ها و شخصیت های مشخصی وارد سلسله مراتب آنها می گردند، تداوم اقتدار آنها به چه نحوه ای بوده و برچه معیارهایی قرار دارد، آیا می توان درمو رد چرخشی در آینده و تغییر چهره های حاضر در قدرت امیدوار بود و یک سلسله پرسش های دیگری که تا کنون هیچگونه پاسخی برای آنها اصلن موجود نبوده و در نتیجه، از منظر سیاسی، وضعیت کنونی را می توان بمثابة غصب قدرت ناشی از عوامل زورپنداشت.

نباید فراموش نمود که در پس زمینه بیانیه های صلح طلبانه، با موجودیت کلیه عوامل و فاکتورهای موجود، "طالب" ها بویژه در قبال کشور همجوار افغانستان (تاجیکستان)، خصومت نشان داده و جنگجویان آنها بجانب مرزهای کشور یادشده سوق داده شده و در مجموعه حاکمیت کنونی "طالب" ها از اظهارات و ابراز نظرهای کاملن ستیزه جویانه در قبال کشور یادشده نیز با نمی ورزند.

برخی از کارشناسان و دست اندرکاران قضایای مربوط بکشور عزیز ما چنین ابراز نظرمی نمایند که بر بنیاد ارزیابی هایی از تکوین حوادث در افغانستان، می توان از شکل گیری رویکردهای دوگانه ایی تذکر بعمل آورد: یکی اینکه، "طالب" ها در مجموع بر اساس معیارهای بین المللی، سیاست کاملن معقول و قابل قبولی را دنبال می نمایند. برین بنیاد، آنها باید تشویق گردند تا با اقدامات و انجام عملکردهای مثبت بیشتری همت گماشته و بجای قرار گرفتن در انزوا، باید با اقداماتی از طریق همکاری و همیاری در پسا زمینه ها متوسل گردند. رویکرد دیگر در این امر نهفته می باشد کآنها در امتداد ماهای نخست حاکمیت شان، چهره واقعی خویش را پنهان نموده و اما در شرایط و وضعیت کنونی سعی بعمل می آورند تا دلایل غیر ضروری بمنظور مقاومت در داخل کشور ارائه نموده و تلاش می ورزند تا جامعه بین المللی را راضی نگهدارند، اما پس از مدتی، خشت و پیچ ها را بگونه محکمی بهم پیوند داده که با تکوین چنین وضعیتی، بگمان اغلب که "افراط" بیک هنجار تبدیل خواهد شد.

بخش قابل توجهی از بحث های کارشناسانه و سیاسی در مورد مسایل مربوط بکشور عزیز ما، بویژه در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ خورشیدی بدو دسته خلاصه گردید. با وجود اینکه، دلایلی دال بر این امر وجود دارد که دوگانگی هادرمجموع سیاست "طالب" ها همچنان تداوم حاصل خواهد نمود. اما بایست متذکر گردید که قوانین و ضوابط عمومی طرح شده توسط آنها در مناطق و محلات مختلف کشور بگونه های مختلف و متفاوت از هم تفسیر می گردد. بگونه نمونه در ولا یتهای هرات و مزار شریف، علیرغم دستور دولت مرکزی در مورد منع تحصیل بانوان کشور در صنوف بالاتر از صنف ششم، آنها در تمامی مقاطع تحصیلی بآموزش می پردازند. بر بنیاد برخی از گزارش ها، در ولایت های ذابل، کندز، سرپل و بامیان، بانوان کشور بگونه کامل در مکاتب درس ها و آموزش شان را ادامه می دهند. مکاتب و مراجع تحصیلی خصوصی در محدوده منازل در کابل در حال شکل گیری بوده و علیرغم ماهیت زیرزمینی آنها، افراد و اشخاص بیشماری موجودند که مایل و علاقمند ادامه تحصیلات می باشند.

از نظر تنویری، تا زمانی که حاکمان کنونی کشور، با ایجاد و پایه گذاری یک سیستم نظارت کامل موفق گردند، آیا می توان باور نمود کآنها نمی خواهند تا نارضایتی ایجاد نمایند. بر این بنیاد، اکنون امتیاز می دهند. به یقین که محکم شدن و تثبیت مواضع آنها را می توان بمثابة افراط موضعی پذیرفت. اما این امکان با تمام قوت آن نیز وجود دارد که همه ی موارد گفته آمده بیک پدیده دایمی و همیشگی مبدل شده و در آینده ها بمیزان فزاینده ای از قوه بفعل مبدل گردد.

در نهایت امر، انصراف از هنجارهای ایجاد شده توسط "امارت اسلامی افغانستان"، ممکن توسط برخی از نماینده های "طالب" ها از طریق تعامل با ملاءهای جوامع محلی پذیرفته شود. علاوه بر آن، با احتمال زیاد، مقامات محلی نه تنها از "امارت اسلامی افغانستان" بمثابة یک کل، بلکه از برخی جناح های مشخص و منحصر بفرد آن نیز نمایندگی خواهند نمود تا فرامین "امارت اسلامی افغانستان" را در بسیاری از موارد مصالحه، طبق خطوط و مشخصات جناح منحصر بفرد شان تفسیر و توجیه نمایند.

یکشنبه ۲۶ ماه قوس سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۷ ماه دسامبر سال ۲۰۲۳ ترسایی